

ستایش پاک یزدان را سزاوار که از روشنی آفتاب بخشش جهان را روشن

نمود...

حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی



رقم (19) - من آثار حضرت بهاءالله - کتاب اشراقات -

صفحه 231 - 237

(19)

بنام گوینده دانا

ستایش پاک یزدان را سزاوار که از روشنی آفتاب بخشش جهان را روشن نمود از با بحر اعظم هویدا و از ها هویه بخته اوست توانائیکه توانائی مردم روزگار او را از خواست خود باز ندارد و لشکرهای پادشاهان از گفتارش منع ننماید نامه ات رسید دیدیم و ندایت را شنیدیم در نامه لثالی محبت مکنون و اسرار مودت مخزون از داور بیهمال میطلبیم ترا تأیید فرماید بر نصرت امرش و توفیق بخشد تا تشنگان دشت نادانیرا بآب زندگانی برسانی اوست بر هر امری قادر و توانا آنچه از دریای دانائی و خورشید



ORIGINAL

بینائی سؤال نمودی باجابت مقرون پرسش نخستین نخست پرستش یگای یزدان را بچه زبان و رو بکدام سو بنمائیم شایسته است آغاز گفتار پرستش پروردگار است و این پس از شناسائیت چشم پاک باید تا بشناسد و زبان پاک باید تا بستاید امروز روهای اهل دانش و بینش سوی اوست بلکه سویها را جمله رو بر سوی او شیر مرد از خداوند میخوایم مرد میدان باشی و بتوانائی یزدان برخیزی و بگوئی ای دستوران گوش از برای شنیدن راز بی نیاز آمده و چشم از برای دیدار چرا گریزانی دوست یگا پدیدار میگوید آنچه را که رستگاری در انست ای دستوران اگر بوی گلزار دانائی را بیاید جز او نخواهد و دانای یگا را در جامه تازه بشناسید و از گیتی و گیتی خواهان چشم بردارید و بیاری برخیزید پرسش دوم در کیش و آیین بوده امروز کیش یزدان پدیدار جهاندار آمد و راه نمود کیشش نیکوکاری و آیینش بردباری این کیش زندگی پاینده بخشد و این آیین مردمان را بجهان بی نیازی رساند این کیش و آیین دارای کیشها و آیینهاست بگیری و بردارید پرسش سوم با مردم روزگار که جدا جدا کیشی گرفته اند و هر یک کیش و آیین خویشرا پیشتر و بهتر از دیگری دانند چگونه رفتار نمائیم که از دست و زبان ایشان در رنج و آزار نباشیم ای شیرمردمان رنج را در راه حضرت یزدان راحت دان هر دردی در راه او درمانیست بزرگ و هر تلخی شیرین و هر پستی بلند اگر مردمان بیابند و بدانند جان رایگان در راه این رنج دهند این رنج مفتاح گنج است اگر در ظاهر منکر است در باطن پسندیده بوده و هست گفتار ترا پذیرفتم و تصدیق نمودیم چه که مردمان روزگار از روشنائی آفتاب داد محرومند داد را دشمن میدارند اگر بی رنجی طلبی این بیان که از قلم رحمن جاری شده قرائت نما

الهی الهی اشهد بفرادیتک و وحدانیتک اسئلک یا مالک الاسماء و فاطر السماء بنفوذ کلمتک العلیا و اقتدار قلبک الاعلی ان تنصرنی برایات قدرتک و قوتک و تحفظنی من شر اعدائک الذین نقضوا عهدک و میثاقک انک انت المقتدر القدر

این ذکر حصنی است متین و لشکری است مبین حفظ نماید و نجات بخشد پرسش چهارم در نامهای ما مرده داده اند شاه بهرام با نشانهای زیاد از برای رهنمائی مردمان میآید الی آخر بیان ایدوست آنچه در نامها مرده داده اند ظاهر و هویدا گشت نشانها از هر شطری نمودار امروز یزدان ندا مینماید و کل را بمینوی اعظم بشارت میدهد گیتی بانوار ظهورش منور و لکن چشم کمیاب از یگا خداوند بمانند بخواه بندگان خود را بینائی بخشد بینائی سبب دانائی و علت نجات بوده و هست دانائی خرد از بینائی بصر است اگر مردمان بچشم خود بنگرند امروز جهان را بروشنائی تازه روشن بینند بگو خورشید دانائی هویدا و آفتاب بینش پدیدار بختیار آنکه رسید و دید و شناخت پرسش پنجم از پل صراط و بهشت و دوزخ بوده پیمبران برآستی آمده اند و راست گفته اند آنچه را پیک یزدان خبر داده پدیدار شده و میشود عالم

بجزایات و مکافات بر پا بهشت و دوزخرا خرد و دانائی تصدیق نموده و مینماید چه که وجود این دو از برای آن دو لازم در مقام اول و رتبه اولی بهشت رضای حقست هر نفسی رضای او فائز شد او از اهل جنت علیا مذکور و محسوب و بعد از عروج روح فائز میشود بآنچه که آمه و خامه از ذکرش عاجز است صراط و میزان و همچنین جنت و نار و آنچه در کتب الهی مذکور و مسطور است نزد اصحاب بصر و مردمان منظر اکبر معلوم و مشهود است حین ظهور و بروز انوار خورشید معانی کل در یکمقام واقف و حق نطق میفرماید بآنچه اراده میفرماید هر یک از مردمان که بشنیدن آن فائز شد و قبول نمود او از اهل جنت مذکور و همچنین از صراط و میزان و آنچه در روز رستخیز ذکر نموده اند گذشته و رسیده و یوم ظهور یوم رستخیز اکبر است امید هست که آنجناب از رحیق وحی الهی و سلسبیل عنایت ربانی بمقام مکاشفه و شهود فائز شوند و آنچه ذکر نموده اند ظاهرا و باطنا مشاهده نمایند پرسش ششم پس از هشتن تن که روان از تن جدا شده بآن سرا شتابد الی آخر در اینمقام چندی قبل از خامه دانش ظاهر شد آنچه که بینایان را کفایت نماید و اهل دانش را فرح اکبر بخشد برستی میگوئیم روان از کردار پسندیده خشنود میشود و داد و دهش در راه خدا باو میرسد پرسش هفتم از نام و نژاد و نیاکان پاک نهاد بوده ابو الفضل گلپایگانی علیه بهائی در این باب از نامهای آسمانی نوشته آنچه که آگاهی بخشد و بر بینائی بیفزاید آیین یزدان با قوت و نیرو بوده و هست زود است آنچه از زبان گفته شد در ظاهر دیده شود از خداوند میخواستیم ترا بر یاری نیرو بخشد اوست دانا و توانا اگر آنجناب سوره رئیس و سوره ملوک را بیابد و بخواند از آنچه سؤال نموده بینیاز گردد و بخدمت امر الهی قیام نماید قیامیکه ظلم عالم و قوت امم او را از نصرت مالک قدم منع نکند از حق میطلبیم شما را تأیید فرماید بر آنچه سبب بلندی و بقای نام است جهد نمائید شاید بسور مذکوره هم برسید و از لثالی حکمت و بیان که از خزینه قلم رحمن ظاهر شده قسمت برید و نصیب بر دارید البهء علیک و علی کل ثابت مستقیم و راسخ امین